

نهایند و اتابکان لر

دکتر علی اکبر افراسیاب پور
عضو هیئت علمی دانشگاه شهید رجایی



اشاره :

آشنایی با تاریخ اتابکان لر ناگفته‌هایی از غرب ایران از جمله شهرستان نهاوند را روشن می‌سازد. آنچه در این جا از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد خلاصه‌ای از شکل‌گیری اتابکان لر بزرگ و کوچک در ایران است و علاقه‌مندان برای اطلاع از تفصیل آن می‌توانند به منابع اعلام شده مراجعه نمایند.

ضمن تشکر از آقای دکتر افراسیاب پور نویسنده‌ی محترم مقاله، از مورخان و متخصصان درخواست می‌کنیم تحلیل تاریخی خود را از موقعیت نهاوند در خلال حکومت اتابکان برای فصل‌نامه ارسال دارند تا به عنوان مطالب تکمیلی این مقاله به چاپ برسد.

«فرهنگان»

در سال‌های ۴۴۲-۴۳۲ ه‍.ق غرب ایران به تصرف سران سلجوقی در آمد. آنان شهر ری را به طور موقت پایتخت طغرل بیگ اعلام کردند. از این تاریخ مرحله‌ی جدیدی در ایران آغاز می‌شود که تاکنون کم‌تر مورد بررسی قرار گرفته است. از این دوره ما شاهد تقسیم‌بندی جدیدی در ایران هستیم.

بخش‌های از ایران به اتابک نشین‌ها تبدیل می‌شود. این حکومت‌های نیمه مستقل در عهد طغرل بیگ پا گرفتند. یکی از این اتابک نشین‌ها، اتابکان لرستان نام دارد که در سرزمین وسیعی از غرب کشور زندگی کرده‌اند. در دوران خوارزمشاهیان، مغولان، تیموریان و صفویان و همزمان با این‌ها در دوران حکومت‌های مستقل و محدودی که در غرب ایران تشکیل شد، شاهد حضور اتابکان لرستان هستیم.

در ابتدا اتابکان لر بزرگ به وجود آمدند. این اتابکان از سال ۵۴۳ تا ۸۲۷ ه‍.ق حکومتی را تشکیل دادند که پایتخت خود را در ایذه (مالمیر) قرار داده بودند. رئیس این طایفه ابوطاهر بن علی بن محمد بود و چون جدّ نهم وی فضلویه نام داشت، به فرزندان او نیز امرای فضلویه گفته‌اند.

این طایفه از خلفای عباسی اطاعت می‌کردند و حاکمان فضلویه هفده نفر بوده‌اند. آخرین اتابک لر بزرگ به نام غیاث‌الدین کاووس به دست سلطان ابراهیم پسر شاهرخ تیموری از تخت قدرت به زیر آمد. منطقه‌ی نفوذ آن‌ها به طور عمده شامل بختیاری و کوه کیلویه بوده است که در منابع تاریخی با عنوان لرستان جنوبی آمده است^(۱).

در قسمت لرستان شمالی نیز به سلسله‌ی اتابکان لر کوچک می‌رسیم که در سال ۵۷۰ ه‍.ق به وسیله‌ی حسام‌الدین شوهلی و شجاع‌الدین خورشید حکومتی تأسیس شد که مدت پنج قرن بر لرستان حکمرانی کردند. در این پنج قرن هنگامی که اتابکان لر

۱- رک: شرف‌نامه‌ی بدلیسی، تاریخ‌گزیده، مستنخب‌التواریخ، تاریخ بختیاری، فارس‌نامه‌ی ناصری و غیره

کوچک قدرت می‌یافتند شهر نهاوند را نیز به سرزمین خود ضمیمه می‌کردند. اتابکان لر کوچک مدت‌ها پایتخت خود را شهر خرم‌آباد قرار داده بودند و چون تمام شمال لرستان، نورآباد و الشتر را در اختیار داشتند، با عبور از کوه گرین (گرو) به راحتی وارد نهاوند می‌شدند.

این اتابکان به شرح زیر شناسایی شده‌اند: (اتابکان لر کوچک):

- ۱- شجاع‌الدین خورشید ۵۷۰ تا ۶۲۱ هـ ق
- ۲- سیف‌الدین رستم ۶۲۱ تا ۶۲۲ هـ ق
- ۳- شرف‌الدین ۶۲۲ تا ۶۳۱ هـ ق
- ۴- عزالدین گرشاسف ۶۳۱ تا ۶۳۵ هـ ق
- ۵- حسام‌الدین خلیل ۶۳۵ تا ۶۴۰ هـ ق
- ۶- بدر‌الدین مسعود ۶۴۰ تا ۶۵۸ هـ ق
- ۷- تاج‌الدین شاه ۶۵۸ تا ۶۷۷ هـ ق
- ۸- فلک‌الدین و عزیزالدین حسین ۶۷۷ تا ۶۹۲ هـ ق (حکومت نهاوند را نیز داشته‌اند)
- ۹- جمال‌الدین خضر ۶۹۲ تا ۶۹۳ هـ ق
- ۱۰- حسام‌الدین عمر ۶۹۳ هـ ق
- ۱۱- صمصام‌الدین محمود ۶۹۳ تا ۶۹۵ هـ ق
- ۱۲- عز‌الدین محمد ۶۹۵ تا ۷۰۶ هـ ق
- ۱۳- ملکه خاتون ۷۰۶ تا ۷۲۰ هـ ق
- ۱۴- عز‌الدین حسین ۷۲۰ هـ ق
- ۱۵- شجاع‌الدین محمود ۷۲۰ تا ۷۵۰ هـ ق
- ۱۶- ملک‌عز‌الدین ۷۵۰ تا ۸۰۴ هـ ق
- ۱۷- اسکندر پسر عمر شیبخ ۸۰۴ تا ۸۰۷ هـ ق (نهاوند بخشی از حکومت او بوده است)
- ۱۸- سیدی احمد بن ملک‌عز‌الدین ۸۰۷ تا ۸۱۵ هـ ق

- ۱۹- میرزا بایقرا فرزند عمر شیخ ۸۱۵ تا ۸۱۷ هق
- ۲۰- شاه حسین پسر ملک عز الدین ۸۱۷ تا ۸۷۳ هق
- ۲۱- شاه رستم پسر شاه حسین ۸۷۳ تا ۹۰۵ هق
- ۲۲- اغور سلطان پسر شاه رستم ۹۰۵ تا ۹۴۰ هق
- ۲۳- جهانگیر پسر رستم ۹۴۰ تا ۹۴۹ هق
- ۲۴- شاه رستم دوم پسر جهانگیر ۹۴۹ تا ۹۷۸ هق
- ۲۵- محمدی پسر جهانگیر ۹۷۸ تا ۹۹۱ هق
- ۲۶- شاهوردی خان حدود ۹۹۱ تا ۱۰۰۶ هق

اسامی این اتابکان در اغلب منابع به طور ناقص آمده است. برای نخستین بار در این مقاله به طور کامل ارائه می شود. اما بحث درباره‌ی آن در این مختصر نمی گنجد. این اتابکان به پادشاهان وقت مالیات می داده‌اند و چه بسا به لشکر شاهی یاری می رسانده‌اند. در دوران اتابک فلک الدین حسن و عز الدین حسین که به طور مشترک لرستان را اداره می کردند و نهاوند هم جزئی از سرزمین آن‌ها بود، هفتاد هزار مرد جنگی داشتند.^(۱)

گویا پیش از قرن چهارم هجری نیز منطقه‌ی لرنشین را با عنوان «لرستان» می شناخته‌اند. اما بعد از آن که به دو منطقه‌ی لر بزرگ و لر کوچک تقسیم شده، مرز بین آن‌ها رودخانه‌ی «دز» بوده است. یعنی لر کوچک همان «لرستان باختری، شامل استان‌های ایلام، لرستان و بخش‌هایی از استان همدان از جمله نهاوند، ملایر و تویسرکان بوده، اما لرستان خاوری (لر بزرگ) شامل منطقه‌ای که مرز شمالی آن رود دز و مرز جنوبی آن دشتستان (بوشهر) بود. این منطقه، استان بختیاری، بخش اعظم استان خوزستان، بخشی از استان اصفهان، استان کهگیلویه و بویر احمد، بخشی از استان فارس (ممسنی)، و بخش عمده‌ی

استان بوشهر را در بر می‌گیرد.»^(۱)

منطقه‌ی لرستان یا لُر کوچک همان ایالت کوهستان و ماد است که در ابتدای عصر اسلامی به نام ایالت جبل معروف شد. این ایالت جبل با پیروزی سلجوقیان و تسلط آن‌ها بر غرب ایران به نام عراق عجم شناخته شد. «به هر حال سرزمین لرستان باختری از قرن چهارم تا اوایل قرن ششم هجری ابتدا جزء قلمرو آل بویه محسوب می‌شد که هم‌زمان قسمت شمالی آن یعنی از نهاوند تا شاپورخواست (خرم آباد) جزء امارات حسنویه گرد برزیکانی به شمار می‌آمد و مالیات آن را به سلاطین آل بویه می‌پرداختند.»^(۲)

حسنویه در سال ۳۴۸ ق بخش بزرگی از سرزمین کردستان را تابع حکومت خود کرد و سپس نهاوند حتی الشتر نیز به حکومت آن‌ها ضمیمه شد. بخشی از تاریخ نهاوند شامل زندگی مردم این شهر در حکمرانی خاندان حسنویه به تحلیل جداگانه‌ای نیاز دارد. بدر پسر حسنویه در سال ۳۸۸ ق از طرف خلیفه عباسی لقب ناصرالدوله گرفت. قسمت اصلی سرزمینی که محل حکمرانی خاندان حسنویه بود از سال ۴۰۱ هجری به تصرف خاندان بنی عیار در آمد. ابوالفتح محمد بن بنی عیار در خدمت بدر بن حسنویه بود، اما بعد از آن‌ها خاندانش بیش از صد سال بر کرمانشاه، بخشی از لرستان و استان همدان امروزی حکومت داشتند. *پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی* سرخاب آخرین حکمران بنی عیار به وسیله‌ی شجاع الدین خورشید سر سلسله‌ی اتابکان لُر کوچک در زمان سلجوقیان برکنار شد.^(۳)

نهاوند در دوران سلطنت حکومت سلجوقیان در قرن ششم هجری برای مدتی به دست دولت برسقیان افتاد. آثار خاندان برسقیان در سنگ نوشته‌ی شهر خرم آباد که تاریخ

۱- امان اللهی بهاروند، سکندر، قوم لُر، انتشارات آگاه، ۱۳۷۰ تهران، ص ۷۶

۲- همان، ص ۷۸

۳- مستوفی، حمدالله، تاریخ گزیده، به‌اهتمام عبدالحسین نوایی، نشر امیرکبیر، ۱۳۶۳ تهران، ص ۵۵۳

سال ۵۱۳ هجری دارد، در آثار تاریخی شهر الشتر در نزدیکی نهاوند قابل مشاهده است. در کتاب راحة الصدور از برسق با عنوان «خدا لیشر» نام برده شده است.^(۱) این حکومت‌ها بی ارتباط با نهاوند نبوده‌اند، در این خصوص، تحقیقی جامع درباره‌ی نهاوند را طلب می‌کند.

اتابکان لر کوچک در تمامی دوران مغولان در حکومت خود پابرجا بوده‌اند. در کتاب القلوب (ص ۷۰) می‌خوانیم که «تومان لر کوچک ولایتی معتبر است». این حکومت از نیمه‌ی دوم قرن ششم تا دوران صفوی ادامه داشته است. آخرین اتابک لر کوچک شاهوردی‌خان بوده که در سال ۱۰۰۶ ق به دست شاه عباس به قتل می‌رسد و سلسله‌ی اتابکان به این وسیله منقرض می‌گردد.

بی‌مناسبت نیست درباره‌ی شاهوردی‌خان توضیح بیش‌تری آورده شود. در دوران صفوی چند بار امپراتوری عثمانی به سرزمین ایران حمله کرد و حتی نهاوند را به تصرف خویش در آورد. در این دوران شاهوردی‌خان آخرین اتابک لر کوچک حکمرانی داشت و برای حفظ موقعیت خود و نجات مردم لرستان از هجوم حمله‌های ارتش عثمانی، به سردار عثمانی «چغال اوغلی» نزدیک شد. با این کار به سلطنت پادشاه صفوی، شاه عباس (۹۸۸ - ۱۰۳۸ هـ)، عصیان نمود.

چندی نگذشت که شاه عباس با دولت عثمانی صلح کرد و شاهوردی‌خان بی‌درنگ از شاه عباس تقاضای بخشش نمود. شاه نیز پذیرفت و برای دل‌جویی از او، خواهر شاهوردی‌خان را به همسری خود درآورد و شاهزاده‌ای صفوی را نیز به همسری او داد و با این وصلت‌ها نشان داد که از عصیان او چشم‌پوشی نموده است. در کتاب زندگانی شاه‌عباس می‌خوانیم:

«در سال پنجم پادشاهی شاه عباس، خواهر شاهوردی‌خان عباسی حکمران لرستان

را که پیش از آن زن برادرش حمزه میرزا بود به عقد خویش در آورد و یکی از شاهزاده خانم‌های صفوی را که از نیرگان بهرام میرزا برادر شاه طهماسب اول بود به شاهوردی خان داد تا بدین وسیله حکمران لرستان را که غالباً با دولت عثمانی می‌ساخت و گاه به خودسری و یغماگری می‌پرداخت مطیع سازد.^(۱)

چند سال بعد، در سال ۱۰۰۲ هـ از طرف شاه عباس، اغورلوییک بیات والی همدان که برای اخذ مالیات و جنگ با عبدالؤمن خان اوزبک به نزدیکی نهاوند آمده بود، توسط شاهوردی خان کشته شد. اما به قصد عذر خواهی از شاه، پسر دائی خود حسین خان را به پایتخت فرستاد. شاه عباس که از این عمل او عصبانی بود، به طرف خرم آباد حرکت کرد و شاهوردی خان به سیمره گریخت.

شاه در لرستان، حکومت را به شاه مهدی قلی خان شاملو سپرد و نتوانست به شاهوردی خان برسد. زیرا او به خاک عثمانی رفته بود. در این میان سلطان حسین فرزند شاه رستم از اتابکان لرستان، از کلهر به خرم آباد آمد و حکومت را از مهدی قلی خان شاملو گرفت. اما شاهوردی خان از راه پشت کوه به لرستان برگشت، از فرصت استفاده نمود و خود را به اعتماد الدوله در خوزستان رساند، از گذشته اظهار پشیمانی نمود و تقاضای امان‌نامه از شاه کرد.

این بار شاه عباس، به دلیل محبوبیتی که شاهوردی خان در لرستان داشت، او را بخشید. او تا سال ۱۰۰۶ هـ در خرم آباد به حکومت خود ادامه داد. شاه عباس در سفری ناگهانی از راه ساوه به خرم آباد لشکر کشید. ماجرای این لشکرکشی مفصل است، اما باعث شد که آخرین اتابک لرستان به سوی سیمره بگریزد. از آن جا به بغداد رفت و در قلعه‌ای که متعلق به یکی از دوستانش به نام شاهرخ بود، پناه برد.

در آن روزگار، بغداد بخشی از خاک عثمانی به شمار می‌آمد، و اتابک انتظار

نداشت که شاه عباس به تعقیب او ادامه دهد. اما با کمال تعجب مشاهده نمود که شاه عباس از مرز عبور کرده و قلعه را به محاصره در آورده است. شرح ماجرای مقاومت دلیرانه‌ی شاهوردی خان و اهالی قلعه مفصل است. اما به هر حال برای نجات اهالی حاضر شد خود را تسلیم کند. «در سال ۱۰۰۶ هـ شاهوردی خان را نزد شاه عباس بردند. فرمان داد نخست دو پسرش را پیش چشمش سر بریدند و سپس او را گردن زدند.»^(۱)

در پایان بهتر است نگاهی به تاریخ نهاوند و موقعیت آن در طول این چند قرن داشته باشیم. می دانیم نهاوند در منطقه‌ای حساس قرار داشته و ضربه‌های متعددی را از هر سو متحمل می شده است. موقعیت جغرافیایی این شهر موجب شده بود که همواره در معرض تهاجم لشکرهای مختلف باشد. این جنگ‌ها و حملات، برای نهاوند عواقب ناگواری داشته است. نخستین نتیجه‌ی آن ویرانی آثار و بناهای تاریخی و مسکونی بوده است. دیگر این که در آن روزگار نهاوند بر سر راه‌های مهم تجاری قرار داشته و با این هجوم‌ها تجارت آن از رونق می افتاده و علاوه بر آن محیط ناامن و زندگی سخت می شده است. تا آن جا که این شهر و روستاهایش باید هزینه‌ی لشکرکشی‌ها را بپردازند. از طرف دیگر مردم این شهر در قحطی‌ها و کمبودها مورد هجوم راهزنان و یاغیان قرار می گرفتند. به هر حال ریشه‌ی ضعف‌ها و عقب ماندگی‌های شهر تاریخی نهاوند را هم باید در گذشته‌اش بررسی کرد و هم در روابط اجتماعی امروزش. آنچه مسلم است این است که برای این منطقه‌ی تاریخی اقداماتی در خور لازم است و توجه و عنایت همه‌ی تأثیرگذاران را به کمک می‌طلبد.